**فضایل اخلاقی چیست؟**

فضایل اخلاقی چیست؟

مقدمه:  
یکی از مسائل اساسی در فلسفه اخلاق این است که ملاک و معیار فضیلت اخلاقی چیست و چگونه می‎توان فعل اخلاقی را از فعل طبیعی بازشناخت. به تعبیر دیگر، با توجه به چه ملاکی است که می‎توان فعلی را فضیلتی اخلاقی به شمار آورد؟  
در مکاتب مختلف بحثهای فراوانی پیرامون شناخت ملاک فضیلت و تمییز فعل اخلاقی از غیر آن صورت گرفته و هر مکتب به فراخور مبانی فکری خویش معیار خاصی را ارائه داده و جدول مشخصی را برای فضائل اخلاقی ترسیم نموده است در این گفتار کوتاه ابتدا به برخی از این نظریات اشاره نموده و سپس دیدگاه اسلام مطرح شد.  
آراء مختلف پیرامون معیار فضیلت اخلاقی  
از جمله مکاتی که در باب معیار تشخیص فضیلت اخلاقی اظهارنظر کرده‎اند، از مکاتبی همچون عاطفه‎گرایان، لذت‎گرایان، وجدان گرایان، طرفداران اصالت جامعه، وظیفه گرایان و در دنیای اسلام از مکتب اشاعره و امامیه می‎توان نام برد.[[۱]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn1)  
عاطفه گرایان که کمال انسان را در خدمت به خلق می‎دانند، تنها افعالی را که با انگیزه دیگر دوستی و عاطفه غیر خواهی صورت پذیرد فضیلت اخلاقی بر می‎شمرند و افعالی را که فقط در جهت تأمین منافع فردی صورت می‎گیرد را فاقد ارزش اخلاقی می‎دانند. در نقطه مقابل این گروه لذت گرایان وظیفه انسان را تحصیل لذت و گریز از رنج دانسته و افعالی را که در این راستا صورت می‎گیرد دارای ارزش اخلاقی می‎دانند. افرادی نیز همچون کانت تنها افعالی را خوب و فضیلت به حساب می‎آورند که از روی احساس وظیفه و تکلیف صورت گرفته باشد نه اینکه صرفاً رفتاری ناشی از تمایلات طبیعی انسان باشد برخی مکاتب نیز از زوایه‌دیگری به موضوع نگریسته و برای تمییز فضیلت از رذیلت رجوع به نظر یک قاضی را لازم دانسته‎اند. وجدان گرایان معتقدند وجدان به راحتیو از راه الهام قادر به تشخیص خوب و بد افعال است و جامعه گرایان قضاوت جامعه را ملاک تفکیک فضیلت از رذیلت دانسته‎اند. در کنار اینها از دانشمندان مسلمان اشاعره امر و نهی پروردگار را ملاک خوبی و بدی افعال می‎دانند در حالی که امامیه و معتزله به مخالفت با آنان پرداخته و معتقدند عقل انسان دارای ظرفیتی است که توان درک خوبی و بدی افعال را دارد و این طور نیست که تا به فعلی امر نشود آن فعل فاقد مصلحت باشد و امر پروردگار موجب ایجاد مصلحت در آن شود.  
در نقد معیارهای ارائه شده از طرف صاحبان این مکاتب به طور اجمال باید گفت که، اولاً اکثر آنها در تشخیص کمال حقیقی انسان در نقش مؤثر در تعیین ملاک فضیلت دارد به خطا رفته‎اند. لذا این طور نیست که صرف خدمت به خلق و یا تحصیل لذت و گریز از رنج و یا انجام عمل بر اساس احساس وظیفه کمال برای انسان باشد، چه بسا عملی دارای سود فردی است اما فضیلت و عبادت است و یا انجام عملی مستلزم رنج فراوان است اما نهایتاً به لذت فراوانی منجر می‎گردد و یا فاقد لذت ظاهری محسوس است و یا انسان در تشخیص وظیفه اشتباه کند علاوه بر اینکه نمی‎توان بدون یک گرایش توحیدی گفت که شخص می‎تواند عملی را صرفاً‌ از روی احساس وظیفه و بدون در نظر گرفتن هیچ گونه نفع یا ضرری انجام دهد. ثانیاً اینطور نیست که قضاوت وجدان بشر و یا جامعه بتواند ملاک تفکیک فضیلت از رذیلت باشد، زیرا در خیلی از موارد مصادیق خوب و بد بدیهی نیستند تا وجدان به راحتی آنها را تشخیص دهد علاوه بر اینکه ممکن است وجدان در اثر تربیت ناصحیح در تمییز غلط عمل کند. از طرف دیگر نظر جامعه نیز مورد قبول نیست زیرا پذیرش این مطلب مستلزم نسبی شدن اخلاق و تبیعت آن از نظر اکثر افراد جامعه است که با تغییر نظر اکثر فضائل اخلاقی نیز دگرگون شده و رذیلت‎ها تبدیل به فضیلت می‎شوند.[[۲]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn2) ثالثاً: درباره نظر اظاعره نیز باید گفت که این طور نیست که ملاک خوبی و بدی قبل از امر و نهی خداوند در فعل نباشد و عقل قادر به درک آن نگردد لذا قرآن می‎فرماید: «ان الله لا یأمر بالفحشاء»[[۳]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn3) که بیانگر وجود ملاک حسن و قبح در افعال قبل از امر پروردگار است.  
در کنار این مکاتب برخی ریشه‌همه فضایل را در دو فضیلت نیک خواهی و عدالت دانسته و تصریح می کنند اگر ملکه‎ای نفسانی را نتوان از این دو اخذ کرد در واقع آن ملکه یا فضیلت اخلاقی نیست، (مثلاً ایمان،‌امید و حکمت که فضایل دینی و عقلانی‎اند نه اخلاقی) و یا اصلاً فضیلت نیست.[[۴]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn4)  
در کنار این مکاتب برخی ریشه همه فضایل را در دو فضیلت نیک خواهی و عدالت دانسته و تصریح می‎کنند اگر ملکه‎ای نفسانی را نتوان از این دو اخذ کرد در واقع آن ملکه یا فضیلت اخلاقی نیست، (مثلاً ایمان، امید و حکمت که فضایل دینی و عقلانی‎اند نه اخلاقی) و یا اصلاً فضیلت نیست.[[۵]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn5) در سنّت مسیحی نیز گفته می‎شود که مسیحیان هفت فضیلت اصلی دارند، سه فضیلت الهیاتی، (ایمان، امید و محبت) و چهار فضیلت انسانی (مصلحت اندیشی، بردباری، اعتدال و عدالت، افلاطون و سایر فیلسوفان یونان و بسیاری از حکیمان مسلمان نیز از چهار فضیلت حکمت، شجاعت و اعتدال به عنوان فضایل مادر و بنیادین نام می‎برند.[[۶]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn6)  
چگونگی تعیین معیار فضیلت اخلاقی:  
در تعیین فضیلت، ابتداء لازم است به این مسئله پرداخته شود که کمال حقیقی انسان در چیست، زیرا در صورتی امری فضیلت به حساب می‎آید که کمالی را بر کمالات انسان بیفزاید و او در راستای رسیدن به کمال لایق وی یاری رساند، یعنی هر فعل و صفتی به هر اندازه که انسان را در رسیدن به کمال واقعی و نهائی یاری رساند یا زمینه را برای وصول به آن فراهم کند از ارزش اخلاقی برخوردار است. بنابراین می‎توان چنین نتیجه گرفت که چون کمال انسان امری واقعی و صفتی وجودی است لذا افعال و صفاتی که بین آنها و کمال نهایی انسانی رابطه علّی و معلولی وجود داشته باشدآن افعال و صفات دارای ارزش اخلاقی بوده و در ردیف فضایل اخلاقی محسوب می گردند. چنانچه مکاتب دیگر نیز به این امر توجه داشته‎اند امّا در تشخصیص کمال حقیقی انسان به خطا رفته‎اند.  
فضائل اخلاقی بر اساس نظام اخلاقی اسلام:  
انسان فطرتاً گرایش به سمت کمال دارد و برای رسیدن به کمال مطلق آفریده شده است؛ زیرا هر چه در مسیر کمال پیش می‎رود خواهان بدست آوردن درجات بالاتری از آن است. وجود بی نهایت کمال مطلق، بر اساس تعلیم دین اسلام، وجود خداوند متعال است، بنابراین کمال انسان و مطلوب نهائی او در هر چه نزدیک‎تر شدن به سرچشمه هستی و قلب پروردگار می‎باشد. آیات قرآن و روایات معصومین نیز شاهد گویائی بر این مطلب هستند، خداوند در قرآن کریم بالاترین درجات کمال بنده را لقاء پروردگار و بازگشت به سوی حق معرفی کرده است: «یا ایتها النّفس المطمئنّه ارجعی الی ربّک راضیه فادخلی فی عبادی، و ادخلی جنّتی»[[۷]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn7) «ای نفس ممطئن به حضور پروردگارت باز آیه که تو خشنود و او راضی از توست، در صف بندگان خاص من درآی و در بهشت من داخل شو» «انّ الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحیوه الدنیا …»[[۸]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn8) «آنها که به دیدار ما امیدوار نیستند و به زندگی پست دنیا دلخوش داشته‎اند، آنها از آیات و نشانه‎های ما غافلند و به سبب کردارشان در دوزخ جای می‎گیرند.»  
از همین دوست که ائمه معصومین ـ علیهم السّلام ـ در مناجات‎های خویش با پروردگار درخواست تقرّب هر چه بیشتر داشته‎اند ـ امیر مؤمنان ـ علیه السّلام ـ در مناجات شعبانیه که زبان دعای همه ائمه ـ علیهم السّلام ـ بوده، اینگونه مناجات می‎کند: «الهی به لی کمال الانقطاع الیک»[[۹]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn9) «معبودا! به من بریدن از همه و پیوستن به خود را عطا کن». و امام سجاد ـ علیه السّلام ـ در مناجات خو دبا خدا اینگونه دعا می کند: «الهی فاجعلنا ممن اصطفیته لقربک»[[۱۰]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn10) خدایا مرا از کسانی قرار ده که برای قرب خود برگزیده ای. خدایا ما را به راههایی ببر که به تو برسیم و ما را در نزدیکترین راههای ورود به خودت سیر و حرکت ده …[[۱۱]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn11).  
حال با توجه به اینکه کمال نهایی انسان وصول به مقام قرب الهی است، در نتیجه هر فعل و صفتی که انسان را در رسیدن به این مرتبه یاری کند و سبب ارتقاء انسان در مراتب قرب پروردگاری باشد و یا زمینه را برای سیر الی الله فراهم نماید، فضیلت محسوب می شود.[[۱۲]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn12)از همین روست که تمام عبادات اعم از واجب و مستحب در زمره فضائل اخلاقی به شمار می روند و برخی علماء اخلاق نیز در کتب خود آنها را نیز ذکر کرده اند از جمله مرحوم ملا محمد مهدی نراقی بسیاری از واجبات و مستحبات را در زمره فضائل اخلاقی گنجانده است.[[۱۳]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn13) و در تفسیر فضائل اخلاقی اینگونه مرقوم می دارد: «فضائل الاخلاق من المنجیات الموصله الی السعاده الابدیه»[[۱۴]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn14) که بنابراین هر آنچه را در وصول انسان به سعادت ابدی که کمال نهایی آن قرب الی الله است مؤثر باشد، جزو فضائل اخلاقی می توان به حساب آورد. در این میان به نکته مهم دیگری باید اشاره کرد وآن اینکه از نگاه قرآن کریم تنها اعمالی دارای ارزش اخلاقی و موجب تقرب انسان به سمت پروردگار هستند که با انگیزه خداجویانه و برای رضای خدا صورت گیرد وگرنه صرف صورت عمل که در قالب خاصی انجام شود، فضیلت محسوب نخواهد شد و نیت تقربب به حق از اساسی ترین معیارها برای ارزشمندی عمل به حساب می آید. قرآن کریم نیز در برخی از آیات به این نکته تصریح نموده است، از جمله در آیه ۲۰۷ سوره بقره که در شأن حضرت علی ـ علیه السّلام ـ نازل شد: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد»[[۱۵]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn15) و برخی از مردم کسانی هستند که از جان خود برای تحصیل رضای پروردگار خویش می گذرند و خداوند نسبت به بندگان رؤوف و مهربان است. حضرت اگر چه در بستر پیامبر تا جان ایشان محفوظ بماند و این کار مهم و ارزشمندی بود، اما خداوند ملاک ارزشمند شدن عمل ایشان را شجاعت، شهامت و یا از خود گذشتگی و ایثار به خاطر دیگران، معرفی نمی کند، بلکه کسب رضای پروردگار به تقرب به او را معیار ارزشمند شدن عمل حضرت می داند.[[۱۶]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftn16) بنابراین در نظام اخلاقی اسلام، هر آنچه که موجب تقرب انسان به پروردگار و وصول به کمال مطلق باشد و با انگیزه خداجویانه و کسب رضای الهی صورت پذیرد دارای ارزش اخلاقی خواهد بود و فضیلت به حساب می آید، گرچه ممکن است در دسته بندی فضائل برخی اعم و در برگیرنده فضائل خاص تری باشند.

[[۱]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref1) . فلسفه اخلاق، محمد تقی مصباح یزدی، ص ۷۱ ـ ۸۶، انتشارات اطالاعات، چاپ ششم، و فلسفه اخلاق، مجتبی مصباح یزدی، ص ۶۰، ۷۷، ۸۵، ۹۱، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ، هشتم، ۱۳۸۱ هـ ش.  
[[۲]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref2) . به همان منابع قبلی مراجعه شود.  
[[۳]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref3) . اعراف / ۲۸.  
[[۴]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref4) . المیزان، ج ۱، ص ۳۷۱، ۳۷۲، علامه طباطبایی، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۷ چاپ اول.  
[[۵]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref5) . المیزان، ج ۱، ص ۳۷۱، ۳۷۲، علامه طباطبائی، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۷، چاپ اوّل.  
[[۶]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref6) . فلسفه اخلاق، ص ۱۵، استاد محمد تقی مصباح یزدی، چاپ و نشر بین الملل، چاپ اوّل، ۱۳۸۱.  
[[۷]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref7) . فجر/ ۲۷ ـ ۳۰.  
[[۸]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref8) . یونس/ ۷ ـ ۸.  
[[۹]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref9) . مفاتیح الجنان، اعمال ماه شعبان، مناجات شعبانیه، شیخ عباس قمی (ره).  
[[۱۰]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref10) . همان، مناجات خمس عشر، مناجاه المحبین.  
[[۱۱]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref11) . همان، مناجاه خمس عشر، مناجاه المریدین.  
[[۱۲]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref12) . فلسفه اخلاق، محمد تقی مصباح یزدی، ص ۱۸۴، فلسفه اخلاق، مجتبی مصباح، ص ۱۴۰.  
[[۱۳]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref13) . جامع السعادات، محمد مهدی نراقی، چاپ سوم، مطبعه النجف، النجف الاشرف، ۱۳۸۳ هـ ق، مثلاً در جلد دوم، خمس، زکات، صدقات و امر به معروف… را در زمره فضائل اخلاقی ذکر نموده است.  
[[۱۴]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref14) . همان، ج ۱، ص ۹.  
[[۱۵]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref15) . بقره/۲۰۷.  
[[۱۶]](http://www.andisheqom.com/public/application/index/viewData?c=5797&t=article" \l "_ftnref16) . مجله پژوهشهای قرآنی، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۸۵ (جمعی از محققین) دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ چاپ اول.

مهدی رحیمی- مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه